

Social capital and soft threats against the Islamic Republic of Iran

Hosein Zarinfam

PhD Student in Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University,
Kermanshah, Iran (hoseinzarinfam@yahoo.com)

Iraj Ranjbar

Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran (irajranjbar@iauksh.ac)

Hassan Golpayegani

Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
(golpayegani@iauksh.ac.ir)

Edris Beheshtinia

Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
(beheshtinia@iauksh.ac.ir)

Abstract

Social capital is one of the most important supports that any political and institutional system can use to take advantage of opportunities as well as to face cultural threats in the national and international arena. On the other hand, at present, cultural threats and aggression have become one of the important tools and strategies of the great powers of the international system in the face of challenging and emerging powers. The main question that this article seeks to answer is the impact of social capital on soft threats against the Islamic Republic of Iran. Therefore, the purpose of this article is to explain the effect of these two variables on each other. In this regard, using a descriptive-analytical method, it is hypothesized that cultural threats are a variable that is affected by social capital, which means that as social capital increases in a society, cultural threats decrease inversely, and vice versa, To the extent that social capital is weakened, on the

contrary, cultural threats increase and national culture is endangered and threatened.

Keywords: *Social Capital, Soft Threat, Islamic Republic of Iran, Cultural Threat, Political System*

سرمایه اجتماعی و تهدیدات نرم علیه جمهوری اسلامی ایران

حسین زرین فام

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
hoseinzarinfam@yahoo.com

ایرج رنجبر

نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
irajranjbar@iauksh.ac.ir

حسن گلپایگانی

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
golpayegani@iauksh.ac.ir

ادریس بهشتی نیا

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
beheshthinia@iauksh.ac.ir

چکیده

سرمایه اجتماعی از جمله مهمترین پشتوانه هایی است که هر نظام سیاسی و نهادی برای بهره گیری از فرصت ها و همچنین مواجهه با تهدیدات فرهنگی در عرصه ملی و بین المللی می تواند از آن استفاده کند. از طرفی دیگر، در حال حاضر، تهدید و تهاجم فرهنگی به یکی از ابزارها و راهبردهای مهم قدرت های بزرگ نظام بین الملل در مواجهه با قدرت های چالشگر و در حال ظهور تبدیل شده است. پرسش اساسی که مقاله حاضر در پی پاسخ به آن است، تأثیر گذاری سرمایه اجتماعی بر تهدیدات نرم علیه جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین هدف مقاله حاضر تبیین تأثیر گذاری این دو متغیر بر یکدیگر می باشد. در این راستا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، این فرضیه مطرح شده که تهدیدات فرهنگی متغیری است که از سرمایه اجتماعی تأثیر می پذیرد بدین معنی که هراندازه سرمایه اجتماعی در جامعه ای افزایش پیدا کند بصورت عکس تهدیدات فرهنگی کاهش می یابد و در مقابل، هراندازه سرمایه اجتماعی تضعیف شود، بالعکس تهدیدات فرهنگی افزایش یافته و فرهنگ ملی در معرض خطر و تهدید قرار می گیرد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، تهدید نرم، جمهوری اسلامی ایران، تهدید فرهنگی،

نظام سیاسی

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۵/۱۴ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۴

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰، صص ۶۵۹-۶۹۲

مقدمه

دنیای امروز به مثابه دهکده کوچک جهانی است که متخاصمان با دستگاه های ایدئولوژیک سلطه در پی رخنه تدریجی بر افکار مردم کشور به منظور تغییرهای بنیادی در باورها و اعتقادهای مردم است. صاحب نظران در حوزه دستگاه ایدئولوژیک سلطه معتقدند رسانه یکی از ارکان اصلی در استحکام باورهای جامعه و ایجاد کننده اعتماد عمومی در بین افراد است و زمانی که نقش رسانه به درستی و مدبرانه ایفا شود می تواند به عنوان ابزاری پیشگیرانه در برابر بحران های ناشی از ایدئولوژی سلطه عمل کند. هرچند در این بین نقش افراد جامعه را نمی توان نادیده گرفت چرا که هر فرد، خود ایفا کننده جایگاه یک رسانه است. اعضای جامعه چه در مقام مخاطبان رسانه ها و چه به عنوان رسانه، می توانند هدف تهدیدات فرهنگی قرار گیرند. در چنین فضایی، سرمایه اجتماعی مهمترین پشتوانه ای است که هر نظام و نهادی برای مواجهه با تهدیدات فرهنگی از آن برخوردار است.

در حال حاضر که رسانه ها و شبکه های مجازی اهمیت بیشتری یافته اند، تهدید و تهاجم فرهنگی به یکی از ابزارها و راهبردهای مهم قدرت های بزرگ در مواجهه با قدرت های چالشگر و در حال ظهور تبدیل شده است. آنچه هدف مقاله حاضر است، اثبات تأثیرگذاری معکوس این دو متغیر بر یکدیگر می باشد و اینکه نشان دهد تهدیدات فرهنگی متغیری است که از سرمایه اجتماعی تأثیر می پذیرد، بدین معنی که هراندازه سرمایه اجتماعی در جامعه ای افزایش پیدا کند بصورت عکس تهدیدات فرهنگی کاهش می یابد و در مقابل، هراندازه سرمایه اجتماعی

تضعیف شود، بالعکس تهدیدات فرهنگی افزایش یافته و فرهنگ ملی در معرض خطر و تهدید قرار می‌گیرد. در این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شده است. روش گردآوری اطلاعات با توجه به نوع تحقیق به روش کتابخانه‌ای می‌باشد.

۱. پیشینه پژوهش

آثار قابل توجه بسیاری اعم از کتاب و مقاله در خصوص هریک از مؤلفه‌های طرح شده در این مقاله یعنی سرمایه اجتماعی و تهدیدات فرهنگی (تهدیدات نرم) به صورت مجزا وجود دارد، اما هیچ منبع علمی به صورت مستقیم به موضوع این رساله یعنی بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و تهدیدات نرم نپرداخته است. برخی از مهمترین پژوهش‌های نگاشته شده در این زمینه به شرح ذیل می‌باشد.

یکی از مهمترین پژوهش‌های انجام شده کتاب «آینده قدرت» (۲۰۱۱) نوشته جوزف نای نویسنده لیبرال است که به تبیین قدرت در قرن ۲۱ پرداخته است. مادلین آلبرایت وزیر سابق امور خارجه آمریکا و همچنین رابرت کوهن از نویسندگان سرشناس لیبرال در روابط بین‌الملل، مطالعه کتاب آینده قدرت را توصیه کرده‌اند. کتاب آینده قدرت در سه بخش و هفت فصل تدوین شده است. نای استدلال می‌کند که در سال‌های آتی، جهان دو تغییر مهم را در بحث قدرت تجربه خواهد کرد، انتقال قدرت و توزیع قدرت.

کتاب «تهدید نرم؛ رویکردی اسلامی» (۱۳۹۱) نوشته اصغر افتخاری از منابع مهم در زمینه تهدیدات حوزه نرم می‌باشد. مؤلف در این کتاب با رویکردی انتقادی به نظریات رایج در خصوص رویکرد اسلامی، مسئله تهدید نرم را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده است. اصغر افتخاری پیشتر نیز در کتاب «کالبدشکافی تهدید» (۱۳۸۶) به شکلی عمیق به تهدیدات و از آن جمله تهدیدات نرم و کیفیت سیر آن از مرحله اجتماعی به امنیتی پرداخته بود.

کتاب «تهدید نرم و راهبردهای مقابله» (۱۳۸۸) که توسط گروه مطالعات امنیتی دانشگاه عالی دفاع ملی نگاشته و منتشر شده، منبع مهم دیگری می‌باشد که به بررسی تهدید نرم و شیوه‌های اعمال آن، شاخص‌ها و ابعاد آن در حوزه‌های

سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و جایگاه آن در نظریه های دفاعی و امنیتی پرداخته است. دانشگاه عالی دفاع ملی کتاب دیگری را نیز با عنوان «تهدیدات قدرت ملی، شاخص ها و ابعاد» (۱۳۸۷) به چاپ رسانده است که به ارائه شناخت و سنجش تهدیدات قدرت ملی به صورت عمومی پرداخته است. در این کتاب ابعاد مختلف قدرت سخت و نرم مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

متون موجود در باره تهدید نرم بر خلاف قدرت نرم، از نظر علمی، فقر بیشتری دارد، به طوریکه علاوه بر دارا بودن نقایص مربوط به متون قدرت نرم، حتی در ارائه تعریف از این واژه، هنوز مرز مشخصی بین تهدید نرم و سایر مفاهیم وجود ندارد. از جمله این آثار محدود در این زمینه می توان به کتاب «نرم افزارگرایی در سیاست خارجی آمریکا و امنیت در جهان سوم» (۱۳۸۱) نوشته کیوان حسینی اشاره کرد. این نوشته در پی اثبات این گزاره است که اصول نرم افزارگرایی همواره از بدو شکل گیری جامعه آمریکا، زمینه های هویت بخشی به این کشور را فراهم آورده اند. این اصول مفهوم اتکا بر قدرت نرم، رهبری و هژمونی خیرخواه را در برمی گیرد.

پایان نامه «مفهوم امنیت ملی بعد از جنگ سرد با تکیه بر کشورهای جنوب ۱۹۹۱-۲۰۰۰» (۱۳۸۱) نوشته شهنام سلوکانه از دیگر منابع پژوهشی در این موضوع می باشد. این نوشته تبیین و تفسیر پایان جنگ سرد و تأثیر آن بر مفهوم امنیت ملی کشورهای جنوب و تغییر ماهیت تهدیدات از سخت افزاری به نرم افزاری را دنبال کرده است. نویسنده بر آن است که پایان جنگ سرد موجب تغییر ماهیت تهدیدات کشورهای مرکز علیه کشورهای جنوب از سخت افزاری به نرم افزاری شده است.

از جمله دیگر آثار مرتبط می توان به مقاله «طراحی مناسب کاربرد منابع قدرت نرم در تأمین امنیت ملی ج.ا.ا» (۱۳۹۳) نوشته محمود کلاهیچیان اشاره کرد. کلاهیچیان در این مقاله به دنبال تأمین امنیت از طریق افزایش قدرت نرم می باشد. مؤلف در نهایت مدلی سه وجهی شامل اقتصاد، فرهنگ و سیاست را برای کاربست منابع قدرت نرم ایران ارائه می کند.

مفهوم سرمایه اجتماعی نیز از جمله مفاهیمی است که از ادبیات نسبتاً غنی برخوردار می باشد. در حوزه تبیین رویکردها، مفاهیم و نظریات مربوط به سرمایه اجتماعی، کتاب «سرمایه اجتماعی» (۲۰۰۲) نوشته جان فیلد، پژوهش نسبتاً جامع و شاملی می باشد که علاوه بر مرور نظریات بوردیو، پاتنام و کلمن، تمرکز اصلی خود را روی شناخت سرمایه اجتماعی و ارائه پیشنهادهایی جهت توسعه آن قرار داده است.

کتاب «سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه» (۱۳۸۹) نوشته کلاوس افه، فرانسیس فوکویاما، مایکل ولکاک، جیمز سمیونل کلمن، پیر بوردیو، آلهاندر و پورتس، رابرت پاتنام و کیان تاجبخش که توسط حسن پویان و افشین خاکباز ترجمه شده است، نیز به صورت مجموعه مقاله، به موضوعاتی از قبیل اعتماد، دموکراسی و توسعه با نگاه ویژه به مقوله سرمایه اجتماعی، پرداخته است. این کتاب در دو بخش تقسیم بندی می شود که در بخش اول به رویکرد نظری پرداخته شده و در بخش دوم نیز رویکرد انتقادی طرح شده است.

مسعود حیدری در پایان نامه «بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و امنیت ملی» (۱۳۸۹) به دنبال شناخت اثرگذاری سرمایه اجتماعی در حوزه سیاست و امنیت ملی بوده است و در نهایت به این جمع بندی دست یافته که نبود سرمایه اجتماعی، پیامدهای زیانباری همچون بیگانگی سیاسی، تضعیف ارتباط و بحران‌های پنج گانه؛ هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع به دنبال خواهد داشت. بروز این بحران‌ها به خودی خود باعث می شود امنیت ملی به مخاطره بیافتد. پژوهش مزبور گرچه به صورت مستقیم امنیت نرم را مورد مطالعه قرار نداده، اما از نظر بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و امنیت ملی، پژوهش مفیدی می باشد.

با بررسی و مقایسه ادبیات پژوهش در موضوع مقاله حاضر، این نتیجه حاصل می شود که گرچه از مؤلفه های پژوهش در گفتمان نرم افزاری به شکلی توصیفی و مجزا سخن به میان آمده است، اما در خصوص نحوه ارتباط این مفاهیم با یکدیگر، پژوهشی صورت نگرفته است. به عبارتی دیگر، عمده صاحب نظران در

مباحث خود بیشتر از منظری خاص به دنبال شناخت سرمایه اجتماعی و تهدیدات فرهنگی (تهدیدات نرم) و یا قدرت نرم بوده اند. لذا مقاله حاضر در تلاش است تا با رویکردی جدید، ارتباط بین سرمایه اجتماعی و تهدیدات فرهنگی علیه ایران را مورد بررسی قرار دهد.

۲. چارچوب مفهومی: سرمایه اجتماعی و تهدید نرم

چارچوب مفهومی مقاله متشکل از دو مفهوم کلیدی سرمایه اجتماعی و تهدید نرم است.

۲-۱. سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی همچون دو توکویل (۱۸۳۱) و سپس امیل دورکهایم (۱۹۳۳) مطرح شده است. این مفهوم در پژوهش‌های برخی دیگر از جامعه‌شناسان کلاسیک در قالب مفاهیم دیگری همچون اعتماد، هم‌بستگی، انسجام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها نیز مورد اشاره قرار گرفته است. عمده این اندیشمندان کیفیت روابط اجتماعی و پیوستگی آن با ارزش‌های مشترک را مورد بررسی قرار می‌دادند. (بایزیدی، ۱۳۹۸)

«مفهوم سرمایه اجتماعی در معنای امروزی خود به سال ۱۹۱۶ باز می‌گردد که در آثار «هانیفان»^۱ سرپرست وقت مدارس ویرجینای غربی در آمریکا به کار رفت. از نظر هانیفان سرمایه اجتماعی به عنوان یک سرمایه ناملموس بسیاری از امور زندگی روزانه مردم مانند حق کسب و کار، معاشرت، هم‌فکری و همدردی و داد و ستد اجتماعی میان افراد و خانواده‌ها که واحدهای اجتماعی را در برمی‌گیرد. نظرات هانیفان تأثیرات چندانی نداشت تا اینکه در اثر کلاسیک جین جیکوبز^۲، با عنوان مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، این مفهوم به منظور تأکید بر ارزش‌های جمعی مرتبط با پیوندهای غیررسمی همسایگان در کلان‌شهرهای جدید به کار گرفته شد. به هر ترتیب بعد از هانیفان، محققان و جامعه‌شناسان بسیاری از

¹ Hanifan

² Jane Jacobs

قبیل گلن لوری^۱، ایوان لایت^۲، فوکویاما^۳، جیمز کلمن^۴، رابرت پاتنام^۵ و پیر بوردیو^۶ مفهوم سرمایه اجتماعی را به کار برده و گسترش دادند.» (پاک‌سرشت، ۱۳۹۴، ص. ۱۵)

بوردیو (۱۹۸۶) از مهمترین اندیشمندانی است که مفهوم سرمایه اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است. از نظر وی، سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از منابع مادی یا معنوی گفته می‌شود که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه باثباتی از مناسبات نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشند. بوردیو در تعریف خود از سرمایه اجتماعی، بر مسائلی از قبیل تراکم و تداوم پیوندها و ارتباطات تاکید دارد. (Bourdieu, 1986)

جیمز کلمن (۱۳۷۷) از دیگر نظریه پردازان سرمایه اجتماعی است که تأثیرات عمیقی بر این مفهوم داشته است. کلمن سرمایه اجتماعی را بر مبنای کارکردش تعریف می‌کند. از نظر وی سرمایه اجتماعی، مانند اشکال دیگر سرمایه، مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبودن آن دست یافتنی نخواهد بود، امکان‌پذیر می‌سازد. سرمایه اجتماعی، همانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی نیست که به طور کامل تعویض‌پذیر باشد. کلمن معتقد است که این سازمان اجتماعی است که سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورد و دستیابی به اهداف را تسهیل می‌کند. کلمن انواع شاخص‌های سرمایه اجتماعی را در ۵ گروه تقسیم بندی می‌کند که عبارتند از تعهدات و انتظارات، ظرفیت بالقوه اطلاعات، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی موثر، روابط اقتدار، سازمان اجتماعی انطباق‌پذیر. (کلمن، ۱۳۷۷)

رابرت پاتنام (1389) نیز از جمله صاحب نظران مهم در رابطه با سرمایه

1 Gallen Lurry

2 Ivan Light

3 Fukuyama

4 Coleman

5 Robert Putnam

6 Pierre Bourdieu

اجتماعی است. از نظر وی سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند. سرمایه اجتماعی نیز مانند سایر سرمایه‌ها مولد است و امکان دستیابی به اهداف مشخص را فراهم می‌کند که بدون آن غیر قابل دسترسی خواهند بود. از نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی وجوه گوناگونی دارد که عبارتند از:

- شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات و مبادلات

- هنجارهای معامله متقابل

- اعتماد اجتماعی. (پاتنام، ۱۳۸۹)

فوکویاما (1379) نظریه‌پرداز دیگر این حوزه در تعریف این مفهوم بیشتر بر هنجارها و ارزش‌های غیررسمی تکیه کرده و سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی می‌داند که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه و پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود. از نظر فوکویاما مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که ممکن است ارزش‌ها منفی باشند. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند اساساً باید شامل صفاتی از قبیل صداقت، ادای تعهد و ارتباطات دو جانبه باشد. (فوکویاما، ۱۳۷۹)

۲-۲. رویکردهای نظری به سرمایه اجتماعی

وولکاک و نارایان، بین چهار رویکرد اساسی به نظریه سرمایه اجتماعی تفکیک قائل می‌شوند که عبارت‌اند از: رویکرد اجتماع‌گرایی، رویکرد شبکه‌ای، رویکرد نهادی و رویکرد همیاری.

رویکرد اجتماع‌گرایی: در رویکرد اجتماع‌گرایی سرمایه اجتماعی با سازمان‌های محلی چون؛ باشگاه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی برابر انگاشته می‌شود. اجتماع‌گرایان که نگاهشان به تعداد و فشردگی این گروه‌ها در یک اجتماع معطوف است بر این اعتقادند که سرمایه اجتماعی ذاتاً خیر است، هرچه بیشتر باشد بهتر است و وجود آن همواره اثری مثبت بر رفاه اجتماع دارد. (تاج‌بخش، ۱۳۸۴، ص. ۵۳۵).

رویکرد شبکه ای: در رویکرد شبکه ای تلاش شده تا جنبه های مثبت و منفی سرمایه اجتماعی، مورد بررسی قرار گیرد. اهمیت پیوندهای عمودی و همچنین افقی در بین مردم و روابط درونی فی مابین این قبیل هویت های سازمانی منتج از این پیوندها مورد تأکید قرار می گیرد. بر اساس این رویکرد پیوندهای نیرومند «درون اجتماعی» به خانواده ها و اجتماع ها حس هویت و مقصد مشترک می دهد. این دیدگاه همچنین تأکید دارد که پیوندهای افقی بدون پیوندهای ضعیف «بین اجتماعی» از قبیل پیوندهایی که شکاف های گوناگون اجتماعی مبتنی بر دین، طبقه، قومیت، جنسیت و شئون و موقعیت های اجتماعی - اقتصادی را درمی نوردند ممکن است به صورت مبنایی برای پی جویی منافع فرقه ای درآیند. (تاج بخش، ۱۳۸۴، صص. ۵۴۰-۵۳۵).

رویکرد نهادی: این رویکرد مدعی است که سرزندگی شبکه های اجتماعی به طور عمده محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است. برخلاف رویکردهای اجتماع گرا و شبکه ای که با سرمایه اجتماعی به طور عمده به عنوان متغیری مستقل برخورد می کنند که به ظهور پیامدهای گوناگون می انجامد، نگرش نهادی، سرمایه اجتماعی را به عنوان متغیر وابسته تلقی می کند. استدلال طرفداران این رویکرد این است که خود ظرفیت گروه ها برای عمل کردن به دلیل نفع جمعی، وابسته به کیفیت نهادهای رسمی است که تحت آنها قرار دارند. طرفداران دیدگاه نهادی همچنین تأکید می ورزند که چگونگی عملکرد دولت ها و بنگاه ها نیز به نوبه خویش وابسته انسجام درونی، اعتبار و صلاحیت درونی خودشان از یکسو و پاسخگویی آنها در برابر جامعه مدنی از سوی دیگر است (تاج بخش، ۱۳۸۴، صص. ۵۴۶-۵۴۵).

رویکرد همیاری: رویکرد همیاری می کوشد، آثار قوی دو رویکرد شبکه ای و نهادی را در یکدیگر ادغام کند. این رویکرد در جست و جوی شرایطی است که در چارچوب آن همیاری به توسعه کمک می کند. بدین معنی که ائتلاف های پویای حرفه ای و مناسبت های مابین دیوان سالاری های دولتی و کنشگران گوناگون جامعه مدنی و درون دیوان سالاری دولتی و جامعه مدنی اثرات مثبتی بر فرایند توسعه

دارند. همیاری دولت و شهروندان مبتنی بر دو عامل مکمل بودن و اتکاست. مقصود از مکمل بودن، روابط حمایتی دوطرفه بین کنشگران بخش دولتی و خصوصی است و نمونه روشن آن چارچوب‌های قانونی‌ای است که از حق ایجاد تشکل دفاع می‌کند و نمونه معمولی‌تر آن اتاق‌های بازرگانی است که موجبات آسان مبادله بین اصناف اجتماعی و گروه‌های تجاری را فراهم می‌آورند. (تاج‌بخش، ۱۳۸۴، صص. ۵۵-۵۴۸).

۲-۱. قدرت نرم و سرمایه اجتماعی دولت‌ها در نظام بین‌الملل

سطح تحلیل رویکردهای جامعه‌شناسانه در مورد سرمایه اجتماعی غالباً سطح فردی، طبقاتی، گروه‌های اجتماعی و یا جامعه است. تعمیم این رویکرد در عرصه بین‌المللی، مستلزم تغییر واحدهای تحلیل و یا سطح تحلیل می‌باشد. به عبارتی دیگر در روابط بین‌الملل، بازیگران اصلی و یا واحدهای تحلیل، دولت‌ها هستند و نه افراد. بنابراین با تعمیم مفهوم سرمایه اجتماعی به عرصه بین‌المللی، می‌توان دولت‌ها و نحوه تعامل آنها را به عنوان معیار برخورداری از سرمایه اجتماعی دانست.

بنابراین با توجه به اینکه مقاله حاضر از سطح تحلیل کلان در مباحث مربوط به توسعه اقتصادی استفاده می‌کند، می‌بایست، شاخص‌های سرمایه اجتماعی را به حوزه بین‌المللی تعمیم دهیم. به عبارتی دیگر برای سنجش میزان برخورداری کشورها از سرمایه اجتماعی در عرصه بین‌المللی، به مهمترین شاخص‌های آن، یعنی کمیت و کیفیت ارتباطات و مبادلات با سایر اعضای جامعه بین‌المللی پرداخته می‌شود. در این راستا نیز مهمترین شاخصی که می‌توان از آن برای سنجش سرمایه اجتماعی کشورها بهره برد، قدرت نرم است.

مفهوم قدرت نرم برای اولین بار توسط جوزف نای (۱۹۹۰) نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل مطرح شد. وی مفهوم قدرت را به دو نوع تقسیم کرد؛ قدرت سخت و قدرت نرم.^۱ نای مفهوم قدرت نرم را در سال ۱۹۹۰، به عنوان جایگزین قدرت

سخت در مقاله‌ای در نشریه فارن پالیسی مطرح کرد. موضوع اصلی مقاله جوزف نای راه‌های مقابله با نفوذ کمونیسم به رهبری شوروی از طریق نفوذ از درون و بدون به کارگیری قدرت نظامی بود. منظور او از قدرت سخت بهره‌گیری از زور و اجبار (توان نظامی و جز آن) برای تحمیل اراده خویش به دیگران است. از نظر نای قدرت نرم بر جاذبه و قابلیت شکل دادن به علائق دیگران متکی است. وی معتقد است که رضایت و اغوا همواره مؤثرتر از زور و اجبار است. علاوه بر این به دو دلیل بکارگیری قدرت نرم از قدرت سخت دشوارتر است؛ اول اینکه بسیاری از ابزارهای حیاتی قدرت نرم خارج از اراده و کنترل دولت‌ها می‌باشد و دوم اینکه قدرت نرم به طور غیر مستقیم با شکل‌دهی به محیط سیاسی عمل می‌کند و اثربخش بودن آن ممکن است فرایندی بسیار طولانی و زمان‌بر باشد. بعلاوه این تنها دولت‌ها نیستند که برای دستیابی به اهدافشان از قدرت نرم استفاده می‌کنند، بلکه تمامی بازیگران در عرصه سیاست بین‌الملل از قبیل سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی از این سیاست پیروی می‌کنند که این امر نیز موجب پیچیدگی هرچه بیشتر این مفهوم شده و درک آن را برای بازیگران عرصه بین‌المللی دشوارتر می‌سازد. به عقیده نای قدرت نرم دو نوع تأثیر مستقیم و غیر مستقیم دارد. تأثیر غیرمستقیم زمانی اتفاق می‌افتد که دیگران بدون توجه به آن چه انجام می‌دهید جذب شما می‌شوند و تأثیر مستقیم نیز زمانی است که شما تلاش می‌کنید جذب شدن دیگران را از طریق رسانه یا راه‌های گوناگون دیگر افزایش دهید. (Nye, 2005, pp. 17) با توجه به مباحث مورد نظر نای، تأثیرگذاری قدرت نرم فراتر از چارچوب‌های تعریف شده در سیاست موازنه قوای کلاسیک می‌باشد. (Clark, 2003, pp. 182)

منابع اصلی قدرت نرم از نظر نای عبارتند از فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی. هسته قدرت نرم، فرهنگ است و هسته فرهنگ، ارزش‌هایی‌اند که آن را نمایندگی می‌کنند. فرهنگ از آن جهت که موجب نوعی همانندسازی و جذب دیگران به سمت برخی ارزش‌ها و باورها می‌شود،

منبع قدرت به شمار می‌رود. از نظر نای و برخی دیگر از نظریه‌پردازان قدرت نرم، برخی فرهنگ‌ها بیش از فرهنگ‌های دیگر به منبعی برای قدرت نرم کشورها تبدیل می‌شوند. این فرهنگ‌ها با برخورداری از ویژگی‌هایی از قبیل انعطاف پذیری، پویایی، برخورداری از ارزش‌های پایدار و جهانی، اخلاق محوری، قدرت اشاعه و تولیدات فرهنگی، عاملی مهم در تأثیرگذاری و نفوذ بر دیگران به شمار می‌روند و هر چقدر یک فرهنگ به میزان بیشتری از این ویژگی‌ها برخوردار باشد، قدرتمندتر تلقی می‌شود. دومین منبع قدرت نرم، که منبع تهدید نرم نیز تلقی می‌شود، دیپلماسی عمومی است. دیپلماسی عمومی یکی از اشکال چندگانه دیپلماسی است که به مدیریت روابط کشورها با یکدیگر و با دیگر بازیگران در روابط بین‌المللی اطلاق می‌شود. از نظر جوزف نای دیپلماسی عمومی دارای سه بعد اساسی ارتباطات روزانه، ارتباطات استراتژیک و گسترش روابط دامنه‌دار و طولانی مدت با افراد کلیدی می‌باشد. به زعم نای یک دیپلماسی عمومی اثر بخش مانند یک خیابان دو طرفه است که علاوه بر سخن گفتن، گوش دادن را هم در بر می‌گیرد و این امر مستلزم آن است که بدانیم چگونه پیام خود را به گوش آنان برسانیم و برای انجام این کار، باید مخاطبان خود را بشناسیم. سومین بعد قدرت نرم سیاست خارجی است. سیاست خارجی شامل اهداف مشخص، عوامل وابسته به آن اهداف، توانایی کشور در رسیدن به یک استراتژی سودمند، اجرای استراتژی و نهایتاً ارزیابی و کنترل آن است. چگونگی اعمال سیاست‌های یک کشور در سایر کشورها، بر قدرت نرم آن تأثیر می‌گذارد. (Nye, 2005, pp. 14-31)

۲-۲-۲. تهدید نرم

تهدید نرم، مجموعه اقدام‌هایی است که باعث دگرگونی هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی شود. تهدید نرم، نوعی سلطه در ابعاد سه گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها، ایجاد شده و نمادها و الگوهای نظام سلطه جایگزین آنها می‌گردد. از این منظر، تمامی تحولاتی که موجب می‌شود تا هدف‌ها و ارزش‌های حیاتی یک نظام سیاسی به خطر افتد یا باعث ایجاد تغییر و دگرگونی عوامل تعیین‌کننده هویت ملی

و بومی یک کشور شود، تهدید نرم محسوب می‌شود؛ بنابراین تهدید نرم به دنبال استحاله‌ی ارزش‌های سنتی و بومی جامعه هدف است.

در تهدید نرم، بدون منازعه و لشکرکشی فیزیکی، کشور مهاجم اراده خود را بر یک ملت تحمیل و آن را در ابعاد گوناگون با روش‌های نرم‌افزاری اجرا می‌کند. تغییرات حاصل از تهدید نرم، درونی، آرام، ذهنی و تدریجی است. این تهدیدها همراه با آرامش و خالی از روش‌های فیزیکی و با استفاده از ابزارهای تبلیغات، رسانه، احزاب، تشکل‌های صنفی و قشری و شیوه القا و اقناع انجام می‌پذیرد. در حال حاضر، مفهوم جهانی‌سازی فرهنگ مترادف با مفهوم تهدید نرم، تلقی می‌شود. تهدید نرم، پیچیده و محصول پردازش ذهنی نخبگان است و به سادگی نمی‌توان آن را اندازه گرفت. عمده‌ترین هدف در تهدید نرم، تأثیرگذاری بر انتخاب‌ها و واپایش فرآیند تصمیم‌گیری و شیوه اطلاع‌رسانی و تغییر در نظام ارزش‌هاست که منجر به استیلای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آنها می‌شود (پیشگاهی‌فرد و احمدی دهکاء، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۰).

تهدید نرم، مبتنی بر سه روش گفتاری، رفتاری و شبکه‌ای است.

۱. روش‌های گفتاری در تهدیدهای نرم به چهار بخش عملیات روانی، عملیات ادراکی، دیپلماسی عمومی و فریب استراتژیکی تقسیم می‌شود.

● عملیات روانی: به مجموعه طرح‌ها و اقدام‌هایی گفته می‌شود که به دنبال تشویق، تهییج و تحریک افکار عمومی در مسئله‌ای مشخص و با هدف‌های از پیش تعیین شده است. عملیات روانی به طور کلی در چارچوب اقدام‌های اطلاعاتی و با هدف‌های پنهان قرار دارد و آثار و نتایج و همچنین ابزارها و شیوه‌های آن به راحتی قابل شناسایی نیست. عملیات روانی، بیشتر در شرایط بحران، مانند جنگ، شورش و اغتشاش و یا در شرایط ناپایدار و شکننده، مانند التهاب و روابط دو کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد.

● عملیات ادراکی: تأثیرگذاری بر نگرش‌ها، باورها، عقاید، هدف‌ها و ارزش‌های طرف مقابل با هدف ایجاد تغییر در مخاطب تا سرحد همسو شدن آنها با هدف‌ها و منافع عمل‌کننده را می‌توان عملیات ادراکی معنا نمود. در این روش،

به جای اینکه شما را تهییج یا یکباره و فوری وادار به عکس‌العمل کنند، نگرستان را نسبت به مسائل اساسی، مانند ایده حاکمیت تحت تأثیر قرار می‌دهند.

● دیپلماسی عمومی: این روش عبارت است از: به کارگیری آشکار و علنی ابزارها و روش‌های بین فرهنگی و ارتباط‌های بین‌المللی توسط یک دولت در چارچوب مشخص برای مخاطب قرار دادن مردم یک کشور با هدف توسعه درک و شناخت متقابل که نتیجه‌ی آن مجذوب کردن، تلطیف افکار و نگرش‌های مخاطب نسبت به کشور و دولت عمل‌کننده است. متولی اصلی دیپلماسی عمومی دستگاه سیاسی خارجی کشور عمل‌کننده است.

● فریب استراتژیک: جعل و خلق اطلاعات؛ یعنی ایجاد و انتشار اطلاعات غلط، همچنین به کارگیری اطلاعات صحیح، اما در مجرای دیگر از سوی یک بازیگر نظامی به ویژه دولت‌ها با طرح و برنامه مشخص را فریب راهبردی گویند. آماج اصلی فریب راهبردی نهادها و سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی کشور هدف است.

۲. روش‌های رفتاری در اعمال تهدیدهای نرم به چهار بخش اعتراض، عدم همکاری با دولت، مداخله‌ی غیرخشونت‌آمیز و جذب مخالفان حکومت تقسیم می‌شود.

● اعتراض: به اقدام‌هایی گفته می‌شود که نشان از اعتراض دارد و بدون مداخله و رویارویی با نیروهای پلیس باشد که می‌تواند به صورت تحصن، مخالفت‌خوانی، کم‌کاری، کارشکنی و تجمع مسالمت‌آمیز انجام شود.

● عدم همکاری با دولت: به مجموعه اقدام‌هایی گفته می‌شود که از سوی مردم یا برخی از جمعیت‌ها به منظور ایجاد محدودیت یا خودداری از همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی با دولت اتخاذ گردد. عدم همکاری می‌تواند در مسائلی، مانند عدم پرداخت مالیات، قبوض مصارف خدمات عمومی، بیرون کشیدن پول و سرمایه خود از شبکه‌های دولتی، انتقال سرمایه به خارج از کشور، عدم مشارکت سیاسی و ... نمود پیدا کند.

● مداخله غیرخشونت‌آمیز: به معنای ایجاد اختلال در نظم عمومی مؤسسات،

سازمان‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و فعالیت‌های دولت، توسط افراد، تشکل‌ها و دولت‌های دیگر است. ایجاد مانع در کارکرد یک نهاد دولتی از جمله این موارد است.

● جذب مخالفان حکومت: به معنای جرئت دادن به مخالفان و حمایت از آنان در هنگام سختی و خطر با هدف هویت‌بخشی، مسیر مقابله از سوی یک دولت یا سازمان دشمن علیه دولتی دیگر است. در این چارچوب دولت‌ها یا سازمان‌های دشمن تلاش می‌کنند تا جبهه مخالفان را پویا و روبه گسترش نگه دارند.

۳. روش‌های مبتنی بر شبکه به عنوان روش سوم به دو دسته کلی روش دیجیتال و روش الکترونیکی قابل تقسیم است. روش‌های دیجیتالی، به روش‌هایی گفته می‌شود که به دنبال اختلال در ارتباط‌ها، سرقت اطلاعات، اختلال در سامانه‌های مدیریتی در شبکه‌های اینترنت، اینترنت و اکسترانت است. در حالی که روش‌های الکترونیکی بیشتر به دنبال اختلال در امواج است (عبدالله خانی، ۱۳۸۶، صص. ۷۷-۷۳).

۲-۳. هدف‌های تهدیدهای نرم

ساندرس و میچل، مهم‌ترین هدف‌های تهدیدهای نرم را به شرح زیر برشمرده‌اند:

- تغییر ایدئولوژی حاکم
- کاهش مشارکت سیاسی مردم با القای ناکارآمدی حکومت
- تغییر هویت دینی و ملی شهروندان همراه با تخریب پیشینه تاریخی آنان
- دستکاری افکار عمومی در جهت خواسته‌های خود و علیه نظام حاکم
- کاهش انسجام اجتماعی
- تغییر انسجام سیاسی حاکم
- تغییر ارزش‌های جامعه و ایجاد استحاله‌ی فرهنگی
- ایجاد فرهنگ جدید
- تغییر الگوی سیاسی حاکم
- تشدید و تقویت واگرایی قومی (الیاسی، ۱۳۹۰، ص. ۵۰).

۳. سرمایه اجتماعی دولت و تهدیدات نرم علیه جمهوری اسلامی ایران

تهدید نرم به تمامی اقداماتی گفته می‌شود که موجب می‌گردد تا اهداف، ارزش‌های حیاتی و اصیل یک نظام سیاسی و امنیت ملی کشور از لحاظ فرهنگی و اجتماعی به خطر افتد یا موجب ایجاد تغییر و تحول اساسی در باور و ارزش‌های اصلی نظام شود. طبعاً زمانی که صحبت از اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر تهدیدات نرم در عرصه بین‌المللی می‌شود، مقصود آن دسته از تهدیداتی است که سرمایه اجتماعی دولت‌ها را هدف قرار داده و عوامل ساخت این سرمایه را تقلیل می‌بخشد. در این چارچوب برخی از مهمترین تهدیدات نرم علیه جمهوری اسلامی ایران که از ضعف یا کاهش سرمایه اجتماعی نشأت می‌گیرد مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر این اساس در کامل‌ترین و جامع‌ترین الگو، ابعاد سرمایه اجتماعی به چهار بُعد، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تقسیم می‌شود. در این الگو مؤلفه‌هایی نیز برای هر بُعد در نظر گرفته شده است که بدان اشاره می‌شود. این الگو، بدان سبب استفاده می‌شود که فراگیر و چند سونگر است و ابعاد گوناگونی را پوشش می‌دهد.

۳-۱. ابعاد اجتماعی تهدیدات نرم

ابعاد اجتماعی تهدیدات نرم علیه جمهوری اسلامی ایران دارای مؤلفه‌های ذیل است:

۳-۱-۱. تضعیف اعتماد اجتماعی

برای بهره‌مندی از روابط با دیگران و استفاده از آن‌ها به عنوان منابع، باید بتوان اطمینان کرد که اعضای شبکه برای ما اطلاعات صحیح و مفید و حمایت واقعی را فراهم می‌کنند. این بُعد به انصاف واقعی، قابل اعتماد بودن عمومی و مفید بودن همانند کمک به دیگران بدون نفع مستقیم اشاره دارد (شجاعی — باغینی و همکاران، ۱۳۸۷، ص. ۶۸). در جامعه اسلامی نهادهای حکومتی در چارچوب قوانین اسلامی تشکیل می‌شوند و حاکمان با معیارهای اسلامی انتخاب می‌شوند و مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. وجود این معیارها در حکومت اسلامی باعث

افزایش اعتماد مردم به حکومت می شود. به عنوان مثال در کتاب تفسیر نمونه در تفسیر آیه ۱۵۹ سوره آل عمران توضیح داده شده که در نظام سیاسی اسلام از یک سو حاکمان به مشورت و نظرخواهی از مردم و از سوی دیگر مردم به مشارکت در تصمیم گیری و اداره امور جامعه فراخوانده شده اند (مکارم شیرازی، ج ۳: صص. ۱۵۰-۱۴۰).

اجرای اصول اسلامی می تواند تأثیر زیادی بر انواع سرمایه اجتماعی داشته باشد از نظر شناختی اصولی همچون وحدت، اخوت، عدالت، وفای به عهد، حُسن ظن، صداقت، امانتداری، درستکاری، مهربانی، تواضع، خوش خلقی، گشاده رویی، همدردی، کمک به دیگران، بخشندگی و گذشت، پرهیز از آزار و اذیت، رعایت حقوق دیگران، تحریم بدگویی، عدم تهمت، نبود تبعیض و سایر رذایل اخلاقی می تواند روابط بسیار مطلوب و اعتماد فراوان را در میان افراد جامعه ایجاد کند. از نظر ساختاری نیز مجموعه ای از اصول اخلاقی نظیر تعاون، مصابره و مرابطه، مشورت، تکافل اجتماعی، در کنار جنبه اجتماعی بسیاری از احکام و دستورات اسلام می تواند نوع خاص و بی نظیر از شبکه روابط اجتماعی را در جامعه ایجاد کند و نیز اجرای اصول اسلامی، سرمایه اجتماعی را در سطوح مختلف (سطح خرد، میانی و کلان) تحت تأثیر قرار می دهد. در سطح خرد، اجرای این اصول روابط میان افراد، اعم از روابط میان افراد آشنا و روابط میان افراد ناآشنا. در سطح میانی، روابط میان گروه ها و سازمان ها و در سطح کلان، روابط میان نهادهای حکومتی و مردم را بهبود می بخشد. تفاوت اساسی سرمایه اجتماعی اسلامی با سرمایه اجتماعی غیراسلامی در این است که روابط اجتماعی در اسلام بر اساس ایمان و در چارچوب دستورات اسلامی قابل ایجاد و توسعه است. مهمترین مصداق این موضوع، تعاون و مشارکت اجتماعی در اسلام است که تنها در کارهای مفید و در چارچوب مقررات اسلامی مجاز است. این تفاوت نه تنها نقص محسوب نمی شود بلکه موجب می شود گروه های اجتماعی زیان آور که در ادبیات سرمایه اجتماعی با عنوان سرمایه اجتماعی منفی مطرح می شود، شکل نگیرد و مشارکت اجتماعی در الگوی اسلامی با افزایش اعتماد اجتماعی تأثیر مثبت بیشتری بر رشد

و توسعه جامعه اسلامی خواهد داشت.

تضعیف اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی در بین امت را متأثر ساخته و منجر به کاهش اعتماد عمومی می شود که در نتیجه آن سرمایه اجتماعی به صورت افقی در ارتباط افراد جامعه با یکدیگر در لایه های اجتماع تضعیف خواهد شد. این مسئله می تواند منجر به بروز تفرقه گردد (علینی-غفاری، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۹).

مزیت دیگر وجود اعتماد بین افراد، تسهیم اطلاعات و همکاری است. وقتی افراد اعتماد داشته باشند که به عقاید آنان احترام گذاشته می شود، آن ها تمایل بیشتری برای ارائه عقاید خلاق، هدف ها و عقاید فردی دارند. چنین محیطی عقاید خلاق را در جامعه به وجود می آورد و تعارض ها را در موقعیت برد — برد حل می کند. به طور کلی، اعتماد ارزش های دموکراتیک را پرورش می دهد و نقش انکارناپذیری در تحقق اثربخشی کلان ایفا می کند و عامل مهمی در کارایی و اثربخشی گروه های اجتماعی است (صالحی امیری و کاوسی، ۱۳۸۷، ص. ۳۸ و ص. ۱۳۶).

۳-۱-۲. آگاهی عمومی

اطلاعات، مؤثرترین و کارآمدترین ثروت و سرمایه هر ملت است، ثروتی که برخلاف ثروت های دیگر از بین نمی رود و هرچه مصرف شود قوی تر و کامل تر می شود. اطلاعات میزان دانشی است که اعضای شبکه اجتماعی از یکدیگر دارند. فوکویاما، معتقد است که قبل از ورود به هر نظام تجاری یا اجتماعی، باید آگاهی کافی درباره شبکه های اعتماد موجود در آن نظام و ویژگی های آن را به دست آورد؛ زیرا اعتماد را پایه هرگونه مبادله های اقتصادی و اجتماعی می داند. در مورد اطلاعات و آگاهی باید گفت که شهروندان برای اینکه بتوانند در جامعه مشارکت اجتماعی و سیاسی داشته باشند، نیاز به اطلاعات جامع و صحیحی درباره مسائل و مشکلات روز جامعه دارند. آنها نیازمند اطلاعاتی هستند که چگونگی انجام کار یا مشارکت آنان را در تمام جنبه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مشخص می کند. بسیاری از بی اعتمادی ها نتیجه عدم آگاهی و عدم اطلاع رسانی صحیح و به موقع است. زمانی که افراد از ماهیت مسائل اجتماعی آگاه نمی شوند و یا از

برنامه‌ریزی‌هایی که جوابگوی مشکلات اجتماعی است، بی‌خبرند و از اجتماع خود اطلاعات چندانی ندارند، فرصت‌های مشارکت اجتماعی یا ذخیره سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد؛ بنابراین پیش شرط اولیه مشارکت آگاهی است (صالحی امیری و کاوسی، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۱ و ص. ۱۶۸).

۳-۱-۳. تنزل روابط متقابل اجتماعی

منظور از روابط متقابل، ارتباط‌های میان دو شخص یا گروه است که می‌تواند صورت‌هایی چون؛ همکاری، مبادله، وصلت و دوستی به خود بگیرد. همچنین روابط متقابل می‌تواند ارتباط‌های خانوادگی، همسایگی و ارتباط‌های متقابل در محیط کار را نیز شامل شود. توسعه ارتباط‌های غیررسمی باعث افزایش اعتماد متقابل می‌شود که این افزایش باعث کاهش اثر تفاوت‌های ناشی از مقام می‌گردد (الوانی و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۸).

۳-۱-۴. کاهش مشارکت اجتماعی

منظور از مشارکت، درگیری ذهنی و اعضای جامعه در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری کنند و در مسئولیت کار شریک شوند. فوکویاما، مشارکت اجتماعی را ابتدا شرکت در انتخابات، خلاصه کرده بود؛ اما پس از آن، شرکت در ورزش‌های گروهی را نیز مورد توجه، قرار داد. آنچه مهم است همکاری متعهدانه مردم با دولت به ویژه در قالب نهادهای مدنی و گروه‌های غیردولتی است (طلوعی و کاوسی، ۱۳۸۶، ص. ۸). ایجاد انسجام و اعتماد در درون گروه‌هایی که معمولاً بر اساس طبقه، شغل و قومیت صورت می‌گیرد می‌تواند از تغییر سرمایه اجتماعی، تأثیر منفی بپذیرد.

۳-۱-۵. مسئولیت اجتماعی

مسئولیت اجتماعی وظیفه‌ای است برعهده موسسات تا بر زندگی اجتماعی که در آن کار می‌کنند، اثرات سوء نگذارند. نوع این وظایف به طور روشن تعریف نشده است، ولی کاملاً مشتمل بر وظایفی است چون آلوده نکردن محیط، تبعیض قائل

نشدن در استخدام، اخلاقی عمل کردن، آگاه کردن مصرف‌کننده از کیفیت محصولات یا خدمات و بالاخره مشارکت مثبت در زندگی افراد جامعه (طلوعی و کاوسی، ۱۳۸۶، ص. ۸). روابط اجتماعی به مثابه سرمایه اجتماعی در سطح کلان عمل می‌کند. عمل به چنین آموزه‌هایی به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی مثبت منجر می‌گردد.

۳-۱-۶. تضعیف هنجارهای مشترک جامعه ایرانی

هنجارهای مشترک جامعه ایرانی را می‌توان به چهار دسته تقسیم بندی کرد. دسته اول «هنجارهای به لحاظ نهادی ساخته شده» هستند. منظور از ساخته شده به لحاظ نهادی، این است که هنجارها در نتیجه کنش قصدمند، مؤثر بر اجتماع؛ به طور کلی فی‌المثل از طریق نهادی، مانند دولت ساخته شده باشد. نهادهای رسمی، مانند قوانین و نظام‌های قانونی نیز در طول زمان هنجارهای رسمی ایجاد می‌کنند. در جوامع دموکراتیک، منبع اصلی هنجارهای ساخته شده قانون است. دسته دوم «ساخت‌مندی خودجوش» است که در آن به جای آنکه از قانون و دیگر نهادهای رسمی بروز پیدا کنند، از کنش‌های متقابل اعضای یک اجتماع، به وجود می‌آیند. دسته سوم، «ساخت‌مندی برون‌زاد» هستند که در چارچوب آن، هنجارها از جایی غیر از همان اجتماعی که در آن به کار رفته است، سرچشمه می‌گیرند و نه به غیر، از طریق کنش متقابل آن اجتماع یا محیط خارجی آن. اکثر مذهب‌های بزرگ از خارج وارد شده و توسط جامعه مقصد پذیرفته شده‌اند. در نهایت نیز دسته چهارم، هنجارهایی هستند که از طبیعت ریشه گرفته‌اند. علی‌رغم تغییرهایی که در ساختار خانواده ایجاد شده است، خویشاوندی به عنوان قوی‌ترین شکل ارتباط اجتماعی در جوامع معاصر باقی مانده است. اجتماعی بودن نه تنها در انسان، بلکه در دیگر موجودهای نخستین نیز ذاتی است. (فوکویاما، ۱۳۷۹، صص. ۱۰۶-۹۷).

اما تضعیف هنجارهای اجتماعی زمانی رخ خواهد داد که هر یک از انواع هنجارهای چهارگانه که به طور خاص برای جامعه ایرانی کارایی داشته، دچار تغییراتی نامطوب گردد به نحوی که نه تنها واجد اثرات مثبت نباشد، بلکه تأثیرات منفی نیز در پی داشته باشد.

۳-۱-۷. تضعیف ارزش های جامعه

ارزش ها نیز، در بسیاری از مطالعه های جامعه شناختی، نقش بسیار مهمی ایفا می کنند. بدین لحاظ، می توان ارزش ها را، مجموعه ای از پنداشت های اساسی، نسبت به آنچه پسندیده است، دانست که تجلی عمیق ترین احساسات مشترک، نسبت به جهان در جامعه است؛ بنابراین ارزش های اجتماعی، ایجادکننده و قوام بخش روابط و نظم اجتماعی هستند. (طلوعی و کاوسی، ۱۳۸۶، ص. ۱۴).

ارزش های مورد قبول افراد، فقط در زمانی تبدیل به سرمایه اجتماعی خواهند شد که کنش یا عملکرد دیگران را نیز آسان کند. همچنین ارزش ها ممکن است درونی شده و یا به طور عمده بیرونی باشند که در حالت بیرونی، حکایت از آن دارند که هر فرد باید چگونه رفتار کند و یا آنکه چه ادعایی داشته باشد تا در وضعیت معینی پذیرفته شود؛ با این وجود، در هر صورت، هنجارها و ارزش ها نشان دهنده شکلی از سرمایه اجتماعی، برای کسانی هستند که رفتار آنها متکی بر حضور آنها در میان دیگران است (تاج بخش، ۱۳۸۴، ص. ۳۸۳).

۳-۱-۸. ایدئولوژی و دین

دین و مذهب علاوه بر اثرات روحی، تأثیرات بسیاری نیز در ایجاد اخلاق کار داشته و باعث می شود تا شبکه های اعتمادی بین اعضای جامعه به وجود آید که علاوه بر روابط اجتماعی و انسانی، برای روابط تجاری و مبادله اقتصادی نیز ضروری است. در دنیای مدرن، به خصوص افکار و اندیشه ها به سادگی و به راحتی مرزهای سیاسی و فرهنگی را درمی نوردند و مبنای مراوده های گروهی می شوند. این افکار می توانند افکار این جهانی (سکولار) باشند، احزاب سیاسی، گروه های سیاسی طرفدار محیط زیست، جانبداری از حقوق زنان، گروه های تروریستی و گروه های دیگر همه براساس اعتقاد به یک دستور کار سیاسی-ایدئولوژیک مشترک، فعالیت می کنند. پنخس و گسترش ارزش های دنیوی در سرتاسر جامعه، جایگاه دین در قابل اعتمادسازی روابط اجتماعی، انسانی و اقتصادی را تنزل خواهد بخشید.

دین، می‌تواند نقش مهمی از تغییرات در ایجاد سرمایه اجتماعی بازی کند. دین اسلام با ترویج ارزش‌هایی نظیر مشارکت، صداقت، اعتماد و ایثار موجب می‌شوند، سرمایه بالایی در بین پیروان ایجاد شود. این وضعیت می‌تواند با افزایش اعتماد داخلی، زمینه برقراری روابط مفید و موثر با گروه‌ها و جوامع دیگر را فراهم سازد.

ایدئولوژی نیز می‌تواند با تحمیل این خواست به فرد که به سوی چیزی یا کسی غیر از خودش، عمل کند، سرمایه اجتماعی را به وجود آورد. این امر در پیامدهایی که ایدئولوژی مذهبی در وارد کردن فرد به توجه به منافع دیگران دارد، آشکار است. همچنین شیوه‌هایی وجود دارد که به کمک آنها ایدئولوژی می‌تواند اثر منفی بر سرمایه اجتماعی داشته باشد. ایدئولوژی که بر رابطه جداگانه و مستقل هر فرد با خداوند تأکید می‌کند- که به طور عمده اساس آیین پروتستان را تشکیل می‌دهد- می‌تواند از ایجاد سرمایه اجتماعی جلوگیری کند (طلوعی و کاوسی، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۵).

به صورت کلی، از دو منظر می‌توان به تبیین رابطه مفاهیم دینی و سرمایه اجتماعی پرداخت، اول اینکه، خود دین به عنوان یک مکتب، ایدئولوژی و کل جامع سرمایه اجتماعی است که باید سعی کرد آن را در جامعه رشد داد و تمامیت جامعه را مبتنی بر ارزش‌های آن ساخت. دوم اینکه، توجه به ارزش‌ها و سرمایه‌های مترقی دین، مانند خدا محوری، عدالت، انصاف، ایثار و... جهت رشد و پرورش جوامع انسانی و به نوعی کاشت و انباشت سرمایه اجتماعی است (نصراللهی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۲۶).

۳-۲. ابعاد سیاسی تهدیدات نرم

ابعاد سیاسی تهدیدات نرم شامل مؤلفه‌های ذیل می‌باشد:

۳-۲-۱. تضعیف هویت ملی

هویت ملی را می‌توان نوعی احساس تعلق، به ملتی خاص دانست، ملتی که نمادها، مکان‌های مقدس، آداب و رسوم، قهرمانان، تاریخ، فرهنگ و سرزمین

معینی دارد؛ بنابراین هویت ملی عبارت است از: احساس تعلق به گروهی از انسان‌ها، به واسطه‌ی اشتراک داشتن در برخی عناصر فرهنگی و شبه فرهنگی به بیان دیگر، هویت ملی نوعی احساس یا آگاهی تعلق به ملت است که همواره با توسل به عناصرهای فرهنگی مختلف بازتولید می‌شود (گل‌محمدی، ۱۳۸۴، ص. ۶۲)؛ اما تنها توجه به بُعد ارزشی و فرهنگی کافی نیست. هویت ملی عالی‌ترین سطح هویتی برای هر فرد بشری محسوب می‌شود و معمولاً از ویژگی منحصربه‌فردی برخوردار است. این نوع رابطه هویتی که برخی آن را (هویت‌محوری) نیز نامیده‌اند، به لحاظ سلسله‌مراتبی برتر از سایر سطوح هویتی قرار می‌گیرد (عباسی قادی و خلیلی کاشانی، ۱۳۹۰، ص. ۵۰)؛ به عبارت دیگر، هویت ملی، فراگیرترین و درعین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی است (حاجیان، ۱۳۷۹، ص. ۱۹۷). برخی از نویسندگان مفهوم هویت ملی را با مفهوم دولت ملی که مهم‌ترین واحد زندگی سیاسی در جهان مدرن است، گره زده‌اند.

هویت ملی، از یک تداوم تاریخی برخوردار است که همواره نوعی آگاهی از سوی اعضای ملت، نسبت بدان وجود داشته است؛ اما این تداوم به معنای قطعیت نیست، بلکه از چشم‌انداز دیالکتیک تاریخی هویت ملی هیچ‌گاه قطعی و نهایی نمی‌شود؛ اما این عدم قطعیت به معنای گسست و چند پارگی هم نیست، در ذات این تداوم تاریخی انسجامی وجود دارد که در خاطره‌ی جمعی اعضای ملت به عنوان یک کل باز تولید می‌شود. رشد سرمایه اجتماعی دولت، می‌تواند منجر به تقویت هویت ملی گردیده و حتی گرایش‌های خارج از مرزهای سرزمینی را جذب خود نماید. در طرف مقابل، تضعیف سرمایه اجتماعی دولت، می‌تواند منجر به تضعیف هویت ملی شود.

۳-۲-۲. تقویت قومیت گرایی

در حالی که سابقه وابستگی‌های نژادی زبانی و مذهبی بشر به دوران ماقبل عصر مدرن بازمی‌گردد، سیاسی شدن این وابستگی‌ها، به ویژه اندیشه خلق دولت - ملت در گروه‌های اقلیت مذهبی زبانی یا نژادی پدیده‌ای نسبتاً جدید است و با ظهور نظم جهانی، ناسیونالیسم غیرمذهبی غرب و محیط گفتمان سیاسی آن که جای

هویت‌ها و نهادهای سیاسی جهان شمول‌تر را گرفت، هم‌زمان است. سیاسی شدن تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر زبان یا مذهب در ایران اساساً در قرن بیستم پدیده آمده است. در گذشته، ساختار اجتماعی سیاسی ایران به‌طور عمده ایلی بود و گروه‌های مذهبی زبان مانند کردها، بلوچ‌ها، برخی از فارس‌ها، عرب‌ها، برخی ترک‌ها و ترکمن‌ها بیشتر براساس وفاداری‌های مذهبی یا ایلی، سازمان‌دهی می‌شدند تا بر اساس پدیده‌های سیاسی، مانند قومیت. اختلافات اجتماعی سیاسی ناشی از تعلقات ایلی، گروه‌های هم‌زبان و هم‌مذهب را به ایلات رقیب تقسیم می‌کرد که بر سر تصاحب منابع اقتصادی و کسب قدرت سیاسی با یکدیگر به رقابت می‌پرداختند. (احمدی، ۱۳۷۸، ص. ۱۴۱-۱۵۱).

اگرچه اقوام ایرانی از دیرباز در درون مرزهای سیاسی کشور ایران به سر می‌برده‌اند و به میزان‌های گوناگون در زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن نقش بازی می‌کرده‌اند، پدیده‌ای به نام هویت قومی برجسته نبوده است. شکاف‌های مذهبی در ایران به ویژه، میان اقلیت‌های غیرمسلمان و مسلمانان سنی و شیعه نمود بسیار بیشتری داشته و مبنای هویت سیاسی بوده است تا پدیده‌هایی چون؛ زبان یا لهجه‌های محلی. گذشته از این تأثیر عنصرهای مهمی چون؛ میراث سیاسی ایران و فرهنگ و آداب و سنت‌های ایرانی پیوندهای گسترده‌ای میان گروه‌های جمعیتی، در ایران به وجود می‌آورده است؛ به عبارت دیگر ایران جامعه‌ای متشکل از گروه‌های جمعیتی پراکنده‌ی مذهبی، زبانی یا نژادی نبوده است که هیچ‌گونه ارتباط و نقطه‌ی اشتراکی با هم نداشته باشند. پدیده‌های اختلاف‌برانگیزی چون؛ اختلاف‌های مذهبی و گاه زبانی، به مرور زمان و تحت تأثیر دگرگونی‌های محیطی در بخش‌های جمعیتی خاص ایران، نفوذ کرده است.

بدین ترتیب، هویت قومی نه تنها نمود چندانی در گذشته ایران نداشته و عامل بسیج اجتماعی و سیاسی نشده است، بلکه هم سطح هویت ملی نیز قرار نگرفته و نفی‌کننده آن نبوده است. نفوذ گسترده میراث استوره‌ای، تاریخی، فرهنگی و مذهبی ایران در میان اقوام گوناگون ایرانی را می‌توان در نوشته‌های

تاریخی مذهبی و ادبی به ویژه شعر محلی به خوبی دید. مشارکت اقشار گوناگون مردم ایران از هر مذهب و زبان و لهجه در جنگ‌های میان ایران و همسایگان یا مهاجران فرمانطقه‌ای در گذشته دور و نزدیک بیانگر نفوذ عنصرهای مشترک ایرانی و هویت ایرانی در کشور بوده است. دولت ایران هیچ‌گاه دولت قوم محور نبوده و گروه‌های گوناگون ایرانی و اقوام ایرانی در سرنوشت سیاسی آن مشارکت داشته‌اند. تنها در چند قرن اخیر بود که گسترش اختلاف‌های مذهبی و شکاف شیعی - سنی در جهان اسلام به جامعه ایرانی نیز رخنه کرد و در دوره‌هایی مبنای گزینش سیاسی قرار گرفت (احمدی، ۱۳۸۸، صص. ۱۲۱-۱۲۷). به طور خاص‌تر کاهش سرمایه اجتماعی دولت باعث می‌شود تا گرایش‌های قوم‌گرایانه افزایش پیدا کند.

۳-۲-۳. تضعیف تحزب و مشارکت سیاسی

یکی از ابعادی که تأثیرپذیری قابل توجهی از سرمایه اجتماعی دارد، میزان مشارکت شهروندان در بهبود نظام سیاسی است. میزان مشارکت افراد در رأی‌گیری‌ها، مشارکت در احزاب و مشارکت در تدوین برنامه‌ها را می‌توان از آن جمله دانست. در سطح سازمانی نیز مؤلفه‌هایی از قبیل مشارکت کارکنان و مدیران در تصمیم‌گیری‌های سازمانی را می‌توان دلیلی بر وجود سرمایه اجتماعی دانست (طلوعی و کاوسی، ۱۳۸۶، ص. ۲۰).

۳-۲-۴. کاهش مشارکت در انتخابات

از دیگر ابعاد سرمایه اجتماعی میزان دخالت و مشارکت افراد، در رأی‌گیری‌های کشوری، شهری، شوراها و انجمن‌های محلی است و می‌توان آن را دلیلی بر وجود سرمایه اجتماعی در جامعه دانست. کاهش سرمایه اجتماعی دولت تأثیر مستقیمی بر کاهش مشارکت در انتخابات نیز تأثیرگذار است. (طلوعی و کاوسی، ۱۳۸۶، ص. ۲۱).

۳-۲-۵. تضعیف قانون‌مداری

قانون‌گرایی و قانون‌گذاری نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، به شمار می‌رود. برقراری عدالت اجتماعی و حکومت کارآمد و فراگیر از پیامدهای قانون‌مداری است که می‌تواند به‌عنوان عامل مؤثر بر تقویت سرمایه اجتماعی محسوب شود. حکومت براساس قانون و ساختار اجتماعی قانونمند از نتایج قانون‌مداری است. به جریان افتادن فرآیند قانون‌مداری، در جامعه باعث برقراری عدالت اجتماعی، برخورداری همگان از امکانات جامعه و ایجاد انگیزه برای مشارکت اجتماعی مردم است در حالی که تضعیف قانون‌مداری، تهدیدات بسیاری را برای ثبات و پایداری رابطه دولت و ملت در پی خواهد داشت (الوانی و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۱۱).

۳-۲-۶. جنگ‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی

مطبوعات و سایر رسانه‌ها نقش عمومی و مهمی در آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی به موقع و صحیح به افراد را برعهده دارند. مطبوعات و رسانه‌ها اگر بتوانند به میزان بیشتر و دقیق‌تری اطلاعات و مسائل جاری روز را در زمانی کمتر و به‌طور مناسب در اختیار شهروندان قرار دهند به اعتمادسازی در سطح جامعه اقدام کرده‌اند و بر میزان سرمایه اجتماعی افزوده‌اند؛ زیرا بسیاری از بی‌اعتمادی‌ها از بی‌خبری و ناآگاهی افراد سرچشمه می‌گیرد. در ضمن، زمینه مشارکت افراد و بروز ایده‌های نو و خلاق هم برای شهروندان فراهم می‌شود. عکس این قضیه نیز صادق می‌باشد به نحوی که نبود رسانه‌های قدرتمند منجر به بروز تهدیدات جدید می‌شود (صالحی امیری و کاوسی، ۱۳۸۷، ص. ۲۹).

۳-۳. ابعاد اقتصادی تهدیدات نرم

با توجه به مفهوم و کارکرد سرمایه اجتماعی، می‌توان گفت که بعد اقتصادی از ابعاد سازنده سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود. سرمایه اجتماعی مفهومی است که انسجام اعضای جامعه را پدید می‌آورد و باعث آسان‌کنش جمعی، مشارکت حداکثری، تسریع فعالیت‌های هماهنگ، ارتقای سطح همکاری، پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطها و در یک کلام کارایی جامعه هدف می‌شود. با در

نظر گرفتن چنین ماهیت و کارکردی نمی‌توان از بعد اقتصادی در ساخت سرمایه اجتماعی چشم پوشید. در جوامع و کشورهای توسعه یافته، اقتصاد بخش کانونی زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهد. فوکویاما، به درستی اشاره می‌کند که کشورهای دارای اقتصاد ضعیف، از نظر سیاسی و اجتماعی نیز بی‌ثبات هستند. در یک اقتصاد ضعیف نمی‌توان انتظار انسجام اجتماعی سطح بالا و مطلوب را داشت؛ بنابراین عامل اقتصادی عنصر مهمی در ساخت سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود. در کشورهایی که دارای اقتصاد ضعیف و شکننده هستند، سایر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی نیز در وضعیت مطلوبی قرار ندارند. حتی در مرحله و سطحی بالاتر می‌توان گفت که این ارتباط متقابل و دوسویه است؛ به طوری که هرچه در یک جامعه و وضعیت سرمایه اجتماعی مطلوب‌تر باشد، توفیق اقتصادی و رفاه بهتری شاهد خواهیم بود. در سطح کلان اقتصادی، می‌توان برای تشریح و توصیف و تبیین وضعیت اقتصادی به دو مؤلفه تولید، (رفاه و عدالت) توجه کرد شاخص‌های مختلف این دو مؤلفه به خوبی نمایانگر سطح مطلوبیت یک اقتصاد هستند (شفیعی فر، ۱۳۸۷، ص. ۲۵).

نتیجه‌گیری

با توجه به آشنایی با منابع، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های سرمایه اجتماعی در ایران می‌توان بدنبال شناخت نسبت و رابطه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میان سرمایه اجتماعی با ساختار قدرت و تهدیدات نرم علیه نظام جمهوری اسلامی ایران بود. نظامی که در بسترآموزه‌های اسلامی و تمدن ایرانی با انقلابی مردمی و همراهی سرمایه اجتماعی شکل گرفت. سرمایه اجتماعی بخش‌های مختلف جامعه را به هم پیوند می‌دهد و گردش اموراجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را روان می‌سازد. عدم استفاده مناسب از سرمایه اجتماعی موجب فرسایش و کاهش آن می‌شود. بر این اساس نظام‌های سیاسی برای حفظ و بقای خود به گسترش و حفظ سرمایه اجتماعی می‌پردازند.

با توجه به روند افزایش گفتمان نرم در جهان، مفاهیمی همچون قدرت، امنیت، تهدید و ارتباط میان آنها در حال دگرگونی می‌باشند. سرمایه اجتماعی در

قالب مشارکت، اعتماد و وفاداری مردم به دولت نقش بسزایی در تأمین امنیت و مقابله با تهدیدات و افزایش قدرت کشورها دارد. فقدان سرمایه اجتماعی کارآمد به معنای افزایش آسیب پذیری نظام سیاسی و در نتیجه بی ثباتی سیاسی در کشورها می باشد. سرمایه اجتماعی می تواند منبع تولید قدرت نرم و امنیت نرم باشد، در حالیکه کارکرد منفی سرمایه اجتماعی مولد تهدید نرم خواهد بود. سرمایه اجتماعی از ناحیه همبستگی های اجتماعی و وجود اعتماد متقابل بین مردم با مردم و همچنین بین مردم و حکومت حاصل می شود و در مقایسه با سایر سرمایه ها، به علت اینکه باعث یکپارچگی و قوت جمعی می شود، حداقل از نظر اقتدار و قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است.

در سطح بین المللی با پایان یافتن جنگ سرد بین شرق و غرب و اهمیت یافتن تضاد های هویتی و تهدیدات فرهنگی به همراه کاربرد بیشتر جنگ نرم پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در منطق امپریالیستی آمریکا برای مقابله با جهان اسلام، مفهوم امنیت ملی نیز تغییراتی مهم پیدا کرد. بنابراین از این پس تأکید بر افزایش قدرت فرهنگی و هویتی به عنوان مبنای اساسی برای قدرت ملی و پیروزی در جبهه جنگ نرم مطرح شد. در این میان سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهم در افزایش قدرت نرم و مقابله با تهدیدات فرهنگی در کشور ایفا می کند. نارضایتی مردم از وضع موجود و نیز نارضایتی ناشی از کاهش مشارکت سیاسی به مثابه تهدید نرم می تواند به تضعیف و یا فقدان سرمایه اجتماعی منجر گردد.

منابع

منابع فارسی

- احمدی، حمید، (۱۳۷۸)، قومیت قوم‌گرایی در ایران: افسانه و واقعیت، چاپ اول (۱۳۷۸)، تهران، نشر نی.
- احمدی، حمید، (۱۳۸۸)، بنیادهای هویت ملی ایرانی: چارچوب نظری هویت ملی شهروند محور، چاپ اول (۱۳۸۸)، تهران، پژوهشکده مطالعه‌های فرهنگی و اجتماعی.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۵)، کالبدشکافی تهدید، چاپ اول (۱۳۸۵)، تهران، دانشگاه امام حسین.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۹۱)، تهدید نرم، رویکردی اسلامی، چاپ اول (۱۳۹۱)، تهران، پژوهشکده مطالعه‌های فرهنگی و اجتماعی.
- شیرخانی، محمدعلی و بایزیدی، رحیم (۱۳۹۸). جریان بین‌المللی سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی در ایران و ترکیه. پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل سال هشتم پاییز و زمستان ۱۳۹۸ شماره ۱ (پیاپی ۱۵).
- پاتنام، رابرت و دیگران (۱۳۸۹) سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه حسن پویان و افشین خاکباز، شیرازه.
- پاک‌سرشت، سلیمان، (۱۳۹۴)، سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت، چالش‌ها و راهبردها، چاپ اول (،) تهران، نور علم.
- پیشگاهی فرد، زهرا و فریبرز احمدی دهکاء، (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت تهدیدهای امنیت ملی در ایران، چاپ اول (۱۳۹۱)، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- تاج‌بخش، کیان، (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، چاپ اول (۱۳۸۴)، تهران، شیرازه.
- حاجیان، ابراهیم، (پاییز ۱۳۷۹)، تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران، مطالعه‌های ملی، سال دوم، شماره ۱۵.
- شجاعی باغینی، مهدی و همکاران، (۱۳۸۷)، مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی، چاپ اول

- (۱۳۸۷)، تهران، پژوهشکده مطالعه‌های فرهنگی و اجتماعی.
- شفیعی‌فر، محمد، (۱۳۸۷)، بحران‌ها و بی‌ثباتی‌ها در جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- صالحی امیری، رضا و اسماعیل کاوسی، (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی، چاپ اول (۱۳۸۷)، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- عباسی قادی، مرتضی و مرتضی خلیلی کا شانی، (۱۳۹۰)، تاثیر اینترنت بر هویت ملی، چاپ اول (۱۳۹۰)، تهران، پژوهشکده مطالعه‌های راهبردی.
- عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۶)، تهدیدهای امنیت ملی، شناخت و روش، چاپ اول (۱۳۸۶)، تهران، ابرار معاصر.
- علینی، محمد و همکاران، (پاییز ۱۳۹۳)، مبانی دینی سرمایه اجتماعی و نسبت آن با حکمرانی خوب، فصلنامه علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره ۶۷.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
- فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹)، پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه: غلام عباس توسلی، چاپ اول (۱۳۷۹)، تهران، جامعه ایرانیان.
- فیلد، جان، (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، ترجمه: جلال متقی، چاپ اول (۱۳۸۵)، تهران، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- کاوسی، اسماعیل و عباس طلوعی، (۱۳۸۶)، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی، پژوهش‌نامه شماره ۵، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گروه مطالعه‌هایی امنیت (۱۳۸۷)، تهدیدهای قدرت ملی، شاخص‌ها و ابعاد، چاپ اول (۱۳۸۷)، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- گروه مطالعه‌هایی امنیت ملی، (۱۳۸۸)، تهدید نرم و راهبردهای مقابله، چاپ اول (۱۳۸۸)، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- گل محمدی، احمد، (۱۳۸۴)، گفتمان‌های هویت‌ساز در عصر جهانی‌شدن، مندرج در: مجموعه مقالات هویت ملی و جهانی‌شدن، به کوشش اکبر عباس زاده، مهدی عباسی، چاپ اول، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- نای، جوزف، (۱۳۹۲)، آینده قدرت، ترجمه: رضا قربانی، جواد شیرمحمدی، چاپ اول (۱۳۹۲)، تهران، دافوس.
- نصراللهی، زهرا و همکاران، (پاییز ۱۳۹۴)، سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در اسلام، اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۱۳.
- الوانی، مهدی و همکاران، (بهار ۱۳۹۱)، طراحی الگوی بهبود سطح سرمایه اجتماعی شهروندان در عصر جهانی‌شدن، مطالعه‌های راهبردی سیاست‌گذاری، دوره ۳، شماره ۶.

الیاسی، محمدحسین و علی محمد نایینی، (زمستان ۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر ابعاد و ماهیت روحیه حماسی، راهبرد دفاعی، سال هفتم، شماره ۲۷.

منابع لاتین

- Bourdieu, Pierre (1986), "The Forms of Capital", **Handbook for Theory and Research for the Sociology of Education**, J.G. Richardson.
- Clark, Wesley K. *Winning Modern Wars: Iraq, Terrorism, and the American Empire*. (New York: Public Affairs, 2003), p 182.
- Nye, Joseph S. (2005). *Soft Power: The Means To Success In World Politics*. *PublicAffairs*. P 17.